

متن پرسش

استاد گرامی سلام علیکم: با توجه به اینکه فلسفه غرب بر مبنای شک نهاده شده و فلسفه ای شکاکانه بر غرب تسلط دارد، چگونه است که در علوم مادی اینقدر پیشرفت می کنند و از قوانین ثابت و یقینی طبیعت استفاده می کنند و در این زمینه یقین دارند جهت پیشرفت علوم مادی؟ آیا کسانی که در پیشرفت این علوم نقش دارند پیرو فلسفه شکاکانه نیستند و به نوعی رئالیست هستند؟ آیا کسی که درگیر فلسفه شکاکانه غرب است می تواند باعث پیشرفت علم مادی شود و یا نه اصلا چنین شخصی به دنبال پیشرفت علوم مادی نمی رود و میلی برای این حرکت ندارد و فقط درگیر موهومات خود است؟

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: فلسفه ی غرب با کانت و نظر به فنومن ها به چیزی رسید که آنچه را بشر غربی می خواهد ایجاد کند، نه آنچه را که در واقعیت هست. به همین جهت غرب از این جهت، پیشرفت نکرد، بلکه توهمات خود را صورت خارجی بخشید. موفق باشید